

فراسو

دوقطبی خطرناک برای بایدن

اعتراضات دانشجویی شگفتی انتخابات را رقم خواهد زد؟

اعتراض دانشجویان در دانشگاه‌های آمریکا به مسأله جدیدی برای بایدن تبدیل شده است. بایدن که اکنون رئیس جمهور آمریکا است چند ماهی با انتخابات ریاست جمهوری آینده فاصله دارد و رقیب او دونالد ترامپ تاکنون توانسته به خوبی سیاست‌های او در برابر اسرائیل و فلسطینی‌ها را به چالش بکشد. مخصصه برای بایدن آنجاست که سیاست دولت او در برابر اسرائیل به دوقطبی در جامعه آمریکا برای حمایت یا مخالفت با جنگ اسرائیل در غزه منجر شده است. این دوقطبی، دویله از جامعه مسلمانان و یهودیان آمریکا را در برابر یکدیگر قرار داده است. حامیان اسرائیل و حماس و حامیان جنگ یا صلح در دو سوی این دو طیف در برابر یکدیگر قرار گرفتند. جنگ غزه هنوز پایان نیافته و برنامه ننانیاهو برای ورود به شهر رفح بار دیگر بایدن را در برابر فشار مضاعفی از سوی افکار عمومی آمریکا قرار داده است. آنچه قابل توجه است نه تنها نحوه گسترش این تلاش است، بلکه تنوع شگفت انگیز دانشجویان درگیر در تظاهرات علیه جنگ است. مطمئناً دانشجویان عرب آمریکایی وجود دارند که دانشجویان دیگر از هر نژاد و اعتقادی به آنها پیوسته‌اند و این رنگ خطری برای دولت بایدن است که بلوک جوانان حائز ویژگی‌های رای در صفا‌آرایی در برابر خود ببینند. البته این تمام ماجرا نیست و هستند سیاستمدارانی که در کنگره بر آتش اعتراضات دانشجویی می‌دمند تا آن را علیه دولت شعله‌ور کنند. از جمله اینها، رهبری جمهوری خواهان کنگره و چند سازمان یهودی طرفدار اسرائیل است که تلاش می‌کنند این تظاهرات را به عنوان کنشی یهودی ستیزانه و تهدیدی برای امنیت دانشجویان یهودی نشان دهند. از سوی دیگر رهبری جمهوری خواهان و گروه‌های کوچک اما بانفوذ رهبران یهودی با اتکا به شبکه‌های اجتماعی استدلال می‌کنند که شعارهایی که توسط برخی از دانشجویان استفاده شده ذاتاً یهودی ستیزانه است.

تأثیر آرای جوانان بر سرنوشت سیاسی بایدن در چنین شرایطی سیاست‌های جو بایدن و دموکرات‌ها در برابر اسرائیل که هزاران دانشجویان در سراسر کشور به اعتراض واداشته، می‌تواند برای جوانان به بایدن اثرگذار شود و به شانس انتخاب مجدد او ضربه بزند. چه آنکه در روزهای گذشته هزاران دانشجویان در دانشگاه‌های سراسر ایالات متحده به تظاهرات طرفداران فلسطینی پیوسته‌اند. جنگ اسرائیل در غزه بیش از ۳۴ هزار نفر را کشته است اما دولت بایدن به پاسخ به این اعتراضات، به جای اقیانوس اعتراضات، با برخورد پلیسی و سکوت روسای دانشگاه‌ها مواجه شده است. در حالی که دولت بایدن به حمایت گسترده از اسرائیل ادامه می‌دهد، دولت او به طور فزاینده‌ای به کانون انتقاد جوانان تبدیل شده است. گاردین به استناد نظرسنجی هاگرتس داده که حمایت جوانان آمریکایی از بایدن از سال ۲۰۲۰ تا به امروز کاهش یافته است. از این رو با توجه به اینکه بایدن در چندین ایالت کلیدی از ترامپ عقب مانده، او نمی‌تواند از بلوک رای جوانان که بخش قابل توجهی از سازمان‌های دموکرات‌ها را تشکیل می‌دهند، دست بکشد. در ماه ژوئیل، یک نظرسنجی در هوارارد نشان داد که بایدن در میان افراد ۱۸ تا ۲۹ ساله ۸ درصد از ترامپ پیشی گرفته، اما این میزان نسبت به نظرسنجی دیگری که در سال ۲۰۲۰ برگزار شده بود، کاهش یافته است. در همین نظرسنجی ۵۱ درصد از جوانان آمریکایی گفته بودند که از آتش بیش دائمی در غزه حمایت می‌کنند، در حالی که تنها ۱۰ درصد گفتند که مخالف هستند. نزدیک به ۶۰ درصد از افراد ۱۸ تا ۲۹ ساله گفتند که کشور «در مسیر اشتباه» قرار دارد و تنها ۹ درصد معتقدند که «همه چیز به‌طور کلی در مسیر درست قرار دارد.» هر روزی که دموکرات‌ها برای آتش بس دائمی، راه‌حل دو کشور و به رسمیت شناختن کشور فلسطین به توافق نمی‌رسند، جوانان بیشتری از دموکرات‌ها ناامید می‌شوند. در این راستا کاخ سفید گفته که بایدن مخالفت آشکار خود را با حمله اسرائیل به شهر رفح در غزه، جایی که حدود ۱۴ میلیون فلسطینی در آن گرفته‌اند، در تماس تلفنی با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در آذر هفته تکرار کرده است؛ اما توافق حمله به رفح تنها در شرایطی رخ خواهد داد که اسرائیل و حماس بر سر توافقی میان مدت به نتیجه برسند.

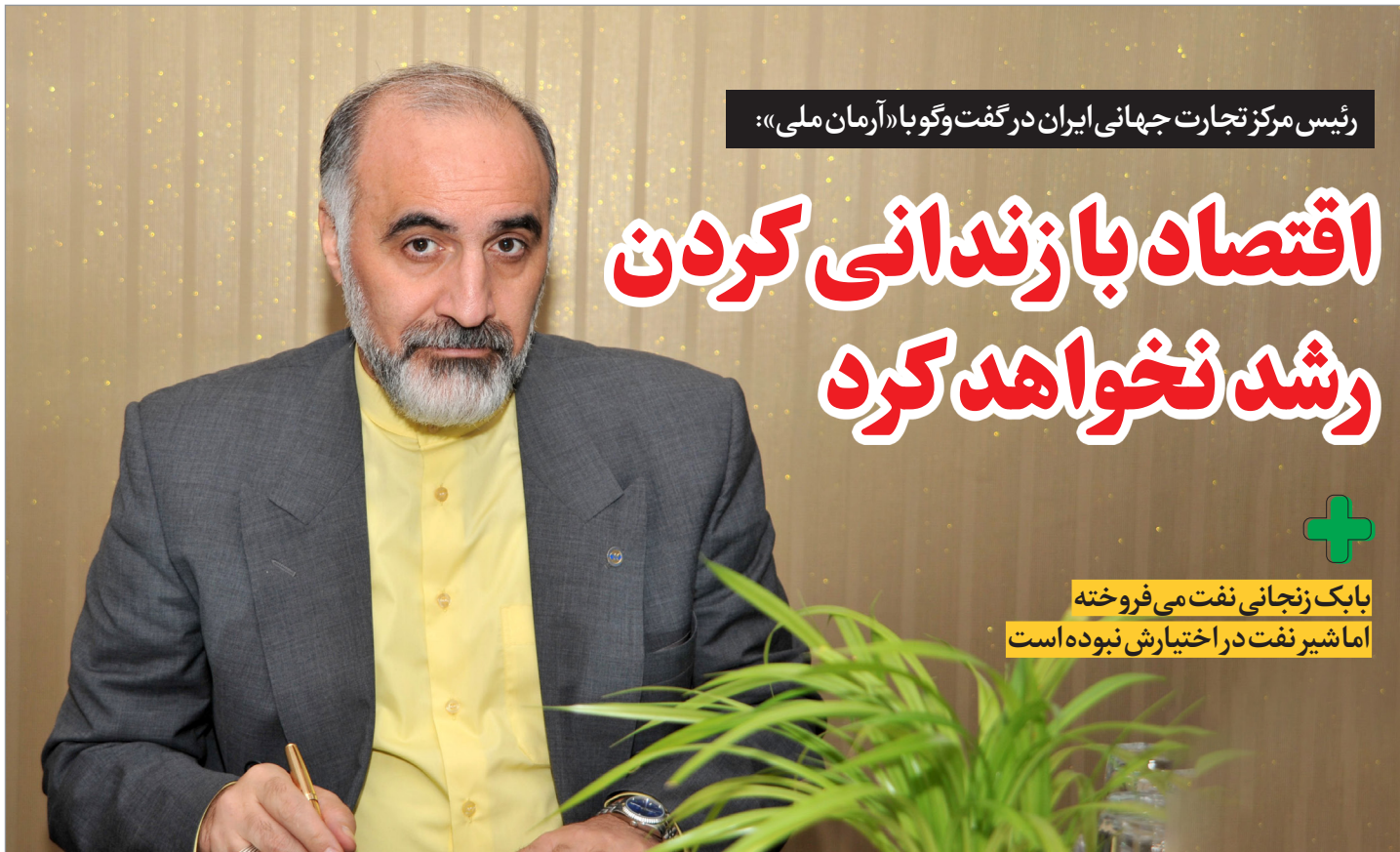
چالش جنبش‌های دانشجویی برای رؤسای جمهوری آمریکا

چالش اعتراضات دانشجویی برای رؤسای جمهوری که در آمریکا در آستانه انتخابات هستند از تاریخی فرافراوانشعب برخوردار است. در سال ۱۹۶۸ زمانی که لیندون جانسون ششمین رئیس‌جمهور آمریکا در حال آماده‌سازی کمپین انتخاب مجدد خود بود، با اعتراضات ضد جنگ ویتنام مواجه شد و مجبور شد کمپین انتخاباتی‌اش را متوقف کند تا نیکسون که آن زمان رقیب انتخاباتی‌اش بود به پیروزی برسد... این اعتراضات که در سال ۱۹۶۵ آغاز شده بود، تنها دلیل خروج جانسون از انتخابات مقدماتی حزب دموکرات نبود، اما نقش مهمی در آن مقطع ایفا کرد. جانسون، معاون جان اف کندی رئیس‌جمهور آمریکا بود که در پی قتل او در سال ۱۹۶۳ در شهر دالاس ایالت تگزاس به مقام ریاست جمهوری رسیده بود. جنبش دوران ویتنام در مقیاس بسیار بزرگ‌تر از تظاهرات فعلی دانشجویان رشد کرد، اما حالا در سال ۲۰۲۴ شواهدی وجود دارد که جنبش دانشجویی آمریکا در حال تکامل و رشد است تا آنجا که توانسته بیش از ۵۰ اردوگاه چادر، در دانشگاه‌های سراسر ایالات متحده برای تداوم اعتراضات برپا کند. از این رو پاسخ سخت دولت بایدن به اعتراضات دانشجویی، نه تنها آنها را سرکوب نخواهد کرد بلکه این اقدام، اعتراضات را گسترش خواهد داد و آنها را تقویت خواهد کرد.

انگیزه‌های جنبش دانشجویی بر انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا ناظران سیاسی معتقدند اگر اعتراضات علیه رفتار اسرائیل و علیه سیاست‌های بایدن در برابر اسرائیل ادامه یابد، مسأله‌ای برای ترامپ ایجاد نخواهد کرد و یک چالش منحصربه‌فرد برای بایدن باقی خواهد ماند. چه آنکه در نظرسنجی گالوپ در ماه مارس ۷۱ درصد جمهوریخواهان در مقایسه با تنها ۳۶ درصد دموکرات‌ها گفتند که «اقدام نظامی اسرائیل در غزه» را تایید می‌کنند. بنابراین مهم‌ترین چالش اعتراضات دانشجویی برای دموکرات‌ها باقی خواهد ماند. از سوی دیگر آنچه بایدن برای پیروزی نیاز دارد، مشارکت دموکرات‌هاست. کارشناسان مسائل آمریکا معتقدند اگر بایدن حتی ۱۰ درصد از آرای دموکرات‌ها را از دست بدهد و حتی اگر این رای به ترامپ نرسد، شانس انتخاب مجدد بایدن کم خواهد بود.

رئیس مرکز تجارت جهانی ایران در گفت و گو با «آرمان ملی»:

اقتصاد با زندانی کردن رشد نخواهد کرد



بایک زنجانی نفت می فروخته اما شیر نفت در اختیارش نبوده است

آرمان ملی - احسان انصاری: بایک زنجانی، موسس گروه سورینت و صاحب بزرگ‌ترین شرکت خوشه‌ای ایران است. نام او در جریان فعالیت‌های کلان مالی مرتبط با دور زدن تحریم‌های بین‌المللی ایران و مسدود شدن مبالغ ارزی وی در بانک‌های خارجی در دوران دولت محمود احمدی‌نژاد مطرح شد. وی در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۲ توسط دادستانی کل کشور به اتهام بدهی بانک مالزی متعلق به وی که از وزارت نفت ایران سپرده داشت، بیش از دو و نیم میلیارد یورو به وزارت نفت و بانک مرکزی بدهکار شد و همچنین اخلاص در نظام اقتصادی بازداشت شد. کمک به بانک مرکزی و وزارت نفت ایران برای تسهیل در دور زدن تحریم‌ها و ورود ۲۲ فروند هواپیمای به ایران و پرداخت بیش از ۲٫۵ میلیارد یورو در قالب ۳۶۰۰۰ حواله باعث تحریم وی توسط خزانه داری آمریکا و اروپا شد. با این وجود وی که به اعدام محکوم شده بود به تازگی با عفو مواجه شده و به ۲۰ سال زندان محکوم شده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد این پرونده و دلایل عفو بایک زنجانی با دکتر محمدرضا سبزه‌پور، رئیس مرکز تجارت جهانی ایران گفت‌وگو کرده است. وی معتقد است: بایک زنجانی نفت کشور را می فروخته است. شیر نفت که در اختیار وی نبوده که بتواند با نفتکش آن را به خارج صادر کند. در نتیجه یک همکاری‌هایی از سوی نهادهای مختلف نظام با وی صورت می‌گرفته که وی از این قابلیت برخوردار باشد که نفت یعنی سرمایه اصلی کشور را به خارج از کشور ببرد و بفروشد. در واقع نهادهای حاکمیتی مانند وزارت نفت که در این ماجرا نقش داشته‌اند به وی اجازه می‌دادند که نفت از کشور خارج کند و بفروشد. در نتیجه نهادهای حاکمیتی با وی همکاری می‌کردند و وی یک مفسد اقتصادی نبوده است. وی یک فعال اقتصادی بوده که ارتباطات زیادی در جهان داشته و به همین دلیل برای دور زدن تحریم‌ها برای ایران فعالیت می‌کرده است. واقعیت این است که از اقدامات بایک زنجانی در سال‌هایی که فعالیت می‌کرده نهادها و افرادی که ذینفع بودند استفاده می‌کرده‌اند. از سوی دیگر وی در طول سال‌هایی که در این زمینه فعالیت کرده ارقام بالایی را جا به جا کرده و در نهایت نیز به کشور برگردانده است. در چنین شرایطی بوده که همکاری نهادهای حاکمیتی با وی پول نفت را بر نمی‌گرداند نهادهای حاکمیتی دیگر با وی همکاری نمی‌کرده‌اند. همین موضوع که نهادهای حاکمیتی سال‌ها با وی همکاری می‌کردند به معنای این است که وی پول‌ها را برمی‌گردانده است. در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

پرونده بایک زنجانی با پیچیدگی‌های زیادی که داشت در نهایت به جایی رسید که حکم وی از اعدام به ۲۰ سال زندان تبدیل شد. چرا چنین اتفاقی رخ داد و تغییر حکم به چه دلیل صورت گرفت؟

من برخلاف کسانی که عنوان می‌کنند بایک زنجانی باید اعدام می‌شد معتقدم عفو وی می‌تواند یک پیام خوب به همراه داشته باشد. این پیام نیز می‌تواند یک اطمینان خاطر برای فعالان اقتصادی و کارآفرینان بزرگ در کشور به ارمغان بیاورد. این پیام نیز این است که کسی بدون سند و مدرک برای آنهاد در سر ایجاد نمی‌کند و به صورت یک طرفه قضاوت نمی‌شوند. البته درباره بایک زنجانی این احتمال وجود دارد که برخی عنوان کنند وی فعال اقتصادی نبوده و بلکه مفسد اقتصادی بوده است. واقعیت این است که اقتصاد با اعدام و زندانی کردن فعالان اقتصادی رشد نخواهد کرد. فعالان اقتصادی مانند لاستیک‌های ماشین اقتصاد یک کشور هستند که اقتصاد یک کشور را به سمت جلو حرکت می‌دهند. اگر قرار است ما این لاستیک‌ها را یکی یکی پنجر کنیم آن ماشین زمین گیر می‌شود و دیگر نمی‌تواند حرکت کند. بایک زنجانی تا زمانی که کار می‌کرده و با دولت‌های مختلف ارتباط داشته در عین حال در کشورهای دیگر نیز ارتباطاتی داشته است. واقعیت این است که بایک زنجانی با ارتباطاتی که داشته می‌توانسته تحریم‌های ایران را دور بزند. این وضعیت به معنای این است که وی می‌توانسته در برخی مسائل امکان‌ناهی را برای کشور ایجاد کرده و اقدامات مثبتی رقم بزند. در واقع زمانی که ایران در اوج تحریم‌ها قرار داشته بایک زنجانی از شرایطی برخوردار بوده که می‌توانسته نفت ایران را بفروشد.

به هر حال باید بی‌ذریعیم که بایک زنجانی به تنهایی این کار را نمی‌کرده و برخی نهادها و ارگان‌ها با وی همکاری می‌کردند که چنین اتفاقی رخ می‌داده است. آیا چنین نیست؟

بله؛ در واقع بایک زنجانی مورد اعتماد نظام قرار داشته که به وی اجازه می‌دادند تحریم‌ها را دور بزند. بایک زنجانی نفت کشور را می فروخته است. شیر نفت که در اختیار وی نبوده که بتواند با نفتکش آن را به خارج صادر کند. در نتیجه یک همکاری‌هایی از سوی نهادهای مختلف نظام با وی صورت می‌گرفته که وی از این قابلیت برخوردار باشد که نفت یعنی سرمایه اصلی کشور را به خارج از کشور ببرد و

من معتقدم باید بین بدهکار بانکی و مفسد اقتصادی تفاوت قائل شد. به هر

حال بایک زنجانی برای دور زدن تحریم‌ها به برخی نهادهای حاکمیتی از جمله وزارت نفت کمک کرده است. چرا کسی به این موضوع نپرداخت که نهادهای حاکمیتی چرا و به چه علت به بایک زنجانی اعتماد کردند؟ وی به دولت و سیستم بدهکار بود

بفروشد. در واقع نهادهای حاکمیتی مانند وزارت نفت که در این ماجرا نقش داشته‌اند به وی اجازه می‌دادند که نفت از کشور خارج کند و بفروشد. در نتیجه نهادهای حاکمیتی با وی همکاری می‌کردند و وی یک مفسد اقتصادی نبوده است. وی یک فعال اقتصادی بوده که ارتباطات زیادی در جهان داشته و به همین دلیل برای دور زدن تحریم‌ها برای ایران فعالیت می‌کرده است. واقعیت این است که از اقدامات بایک زنجانی در سال‌هایی که فعالیت می‌کرده نهادها و افرادی که ذینفع بودند استفاده می‌کرده‌اند. از سوی دیگر وی در طول سال‌هایی که در این زمینه فعالیت کرده ارقام بالایی را جا به جا کرده و در نهایت نیز به کشور برگردانده است. در چنین شرایطی بوده که همکاری نهادهای حاکمیتی با وی ادامه داشته و اگر وی پول نفت را بر نمی‌گرداند نهادهای حاکمیتی دیگر با وی همکاری نمی‌کرده‌اند. همین موضوع که نهادهای حاکمیتی سال‌ها با وی همکاری می‌کردند به معنای این است که وی پول‌ها را برمی‌گردانده است. به همین دلیل باید بین بایک زنجانی که در واقعیت وجود داشته و آنچه به مردم معرفی شده تفکیک قائل شد. آنچه به مردم معرفی شده یک مفسد اقتصادی است که پول کشور را بالا کشیده است.

چرا در حالی که وی با نهادهای حاکمیتی در راستای دور زدن تحریم‌ها همکاری می‌کرده در نهایت به عنوان مفسد اقتصادی معرفی و زندانی شده است؟ پس از دستگیری بایک زنجانی حدود ۲ میلیارد یورو

چرا در حالی که وی با نهادهای حاکمیتی در راستای دور زدن تحریم‌ها همکاری می‌کرده در نهایت به عنوان مفسد اقتصادی معرفی و زندانی شده است؟

پس از دستگیری بایک زنجانی حدود ۲ میلیارد یورو

اگر تخلفی در طول سال‌هایی که بایک زنجانی نفت می فروخته صورت گرفته شامل نهادهایی که نفت در اختیار وی قرار داده‌اند نیز می‌شده است. اگر هم در این سال‌ها تخلفی صورت نمی‌گرفته و وی پول‌ها را به دولت باز می‌گردانده است که بازی با سرمایه ملی صورت نگرفته است. به همین دلیل من معتقدم این بخشش و عفو بجا بوده است. در اینکه مفسدان اقتصادی باید دستگیر شوند و به سزای عمل خود برسند تردیدی وجود ندارد. عفو و بخشش وی نیز ارتباط به دولت‌ها ندارد و بلکه شرایط به شکلی بوده که وی به عنوان یک بدهکار بدهی خود را پرداخت کرده و به همین دلیل شامل عفو شده است.

دوشنبه

۱۴۰۳/۰۲/۱۷

۲۷ شوال ۱۴۴۵/۰۶/۲۰۲۴

armanmeli.ir

سال هفتم

شماره ۱۸۲۲

یادداشت

ذهن آمریکانندیش

محمد فاضلی
جامعه‌شناس

قضایای برخورد پلیس آمریکا با اعتراضات دانشجویان دانشگاه‌های آمریکایی به جنایات اسرائیل در غزه مورد توجه رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفته است. چند نکته را در خصوص این مسأله باید روشن کرد. یک؛ ارزش‌های انسانی و از جمله مهم‌ترین‌های آن‌ها نظیر آزادی و عدالت، جهان‌شمول هستند و ربطی به آمریکا ندارند. اگر در اسناد شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا به ارزشی نظیر آزادی اشاره شده، دلیل آمریکایی بودن این ارزش‌ها نیست. قدمت این ارزش‌ها به اندازه تاریخ بشر و حداقل تاریخ فلسفیدن و اندیشه‌ورزی درباره انسان و جهان اجتماعی و سیاسی است. دو؛ آمریکایی‌ها به بهانه نقض آزادی و حقوق بشر در کشورهای دیگر، این کشورها را تحریم کرده یا به آنها حمله کرده‌اند. آمریکایی‌ها و بقیه غرب در موارد متعدد با کشورهای ناقض حقوق بشر و از جمله دیکتاتورترین‌ها روابط داشته و کنار آمده‌اند و با دیگری به همین دلایل ستیز کرده‌اند. این گزاره‌ها درست است. اما از این گزاره‌ها نمی‌توان نتیجه گرفت که خواست مردم و متفکران کشورها برای تحقق آزادی و جلوگیری از نقض حقوق بشر در کشورشان، خواسته‌ای آمریکایی است و چنین ارزش‌هایی از اساسی غلط یا توهم هستند. هیچ تناقضی بین سرزنش کردن آمریکا برای نقض حقوق بشر و آزادی در کشور خودش با کشورهای دیگر و در همان حال مطالبه آزادی و رعایت حقوق بشر در کشور خود وجود ندارد. سه؛ اصالت بنیان‌های اجتماعی و فلسفی آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و توسعه همه جانبه، برآمده از تحقق بخشی از آن‌ها در غرب نیست. کشورهای غربی توانسته‌اند زودتر از بقیه کشورها، به صورت‌ها و ابعاد و از این‌ها دست یابند. بنیان‌های فلسفی برخی نیز در آرای متفکران یونانی - غربی صورت‌بندی شده است. این به معنای وجود دلایلی برای نفی این ارزش‌ها یا از اساس دروغین یا بیگانه خواندن آن‌ها نیست. چهار؛ هیچ متفکر جدی نمی‌شناسد که اهمیت ارزشی نظیر آزادی را به آمریکایی یا غربی بودن آن ربط داده باشد. نسل چند دهه گذشته متفکران جدی ایرانی نگفته‌اند چون آمریکا فلان گونه است پس ما هم باشیم. متفکران جدی که من می‌شناسم و خوانده‌ام، آزادی، دموکراسی و توسعه را از منظر نسبت آن با بهروزی ملت ایران ارزیابی کرده‌اند. اتفاقاً ادبیات اندیشه اجتماعی و سیاسی (بالاخص مکاتب انتقادی که در ایران هم برطرف‌دار هستند) مملو از نقدها بر دموکراسی، مدل‌های مختلف توسعه، و تهدیدهای آزادی و ارزش‌های انسانی در همه کشورها و از جمله غرب است. پنج؛ گروهی در ایران تلاش می‌کنند یک آمریکا - غرب خیالی (صرفاً دارای ابعاد مثبت) بسازند، بعد آن را به منتقدان سیاست و حکمرانی در ایران نسبت داده و آن‌ها را طرفدار چنین آمریکا - غرب خیالی جلوه دهند، و سپس با فروریختن آن با عبارت‌های کلیشه‌ای از جنس «اینو چی می‌گید؟»، منتقدان را بی‌اعتبار کنند. شش؛ گروهی که در بند پنج ذکر کردم، دارندگان ذهن - آمریکانندیش هستند. هویت‌شان را از ستیز با آمریکای واقعی یا خیالی می‌گیرند که خود ساخته‌اند و منتقدان را به دوست داشتن آن متهم می‌کنند. ذهن آمریکانندیش با ضدآمریکایی بودن تعریف می‌شود. هویت می‌یابد و به حرکت درمی‌آید. همه چیز را هم در خدمت آن قرار می‌دهد. معیار خوبی و بدی در نسبت با آمریکا تعریف می‌شود. اگر آمریکایی نباشد (در ساحت اندیشه) این ذهن از کار می‌افتد. فلج می‌شود و اعتبارش را از دست می‌دهد. سخن‌چینایی مستقلی برای گفتن ندارد. من نمی‌دانم دیگران چگونه می‌اندیشند، مسئول اندیشه و عمل دیگران هم نیستیم. اما آمریکا برای من، در عرصه عمل، در نسبت با ما، یک کمک برای توسعه ایران تعریف می‌شود. آمریکا، نه فی نفسه بلکه از آن جهت که ظرفیت تحریم و ضربه زدن به منافع ایران را دارد، و در مناسبات دیگری ممکن است کمکی به توسعه و حل مسائل ایران باشد، اهمیت دارد. اما منبع ارزش‌ها و الگوی عمل نیست. در ساحت اندیشه هم، یک «مورد تاریخی» قابل بررسی مقایسه‌ای برای شناخت و تحلیل جامعه‌شناختی است. آمریکا یا هر کشور دیگری، برای من، الگو، معیار ارزیابی ارزش‌ها یا درست و غلط کشن دولت‌ها و پلیس نیست. من هویت‌م را از آمریکانندیشی، ضدیت با آمریکا یا نزدیک شدن به آن نمی‌گیرم.